

مکتب عقل

استاد شهید مرتضی مطهری در آینه کتاب اسلام و مقتضیات زمان



مقصود رنجبر
گزارشگر

ورود اندیشه و مظاهر مدرنیته به جوامع اسلامی آثار عظیمی به جا گذاشت و بازتاب‌های مختلفی را در پی داشت. نحوه نگرش مطهری به رابطه سنت و مدرنیته، تأثیری اساسی در شکل‌گیری اندیشه‌های سیاسی ایشان داشته است. مطهری این بحث را به طور عمده تحت عنوان اسلام و مقتضیات زمان مورد بحث قرار داده و آن را به این صورت مطرح کرده که نه اسلام در ذات خودش به طور مطلق، نامتغیر است، نه در ذات خودش این طور است که جبراً همه چیز در آن تغییر کند. بعضی چیزها است که تغییر نمی‌کند یا لااقل نباید تغییر کند.

مطهری معتقد است که انسان به کمک نیروی عقل و ابتکار خود، پیوسته ابزارها و امکانات اقتصادی و اجتماعی خود را ارتقا می‌بخشد و همین مقتضیات، محیط و اجتماع و زندگی در هر عصر و زمانی را تغییر می‌دهد. انسان الزاماً باید خود را با مقتضیات جدید تطبیق دهد. با چنین مقتضیاتی، نه می‌توان نبرد کرد، نه باید نبرد کرد. از نظری، بحث انطباق اسلام با مقتضیات زمان، بحث انطباق با هر چیز نو نیست؛ بلکه چه بسیار از چیزهای نو که انحرافی، غیراخلاقی و غیراسلامی باشند که باید در مقابل آنها ایستاد.

مطهری راهکارهای مختلفی را که دین اسلام برای تطبیق با مقتضیات عصر پیش‌بینی کرده، مورد بحث قرار می‌دهد. یکی از مهم‌ترین این راهکارها، اجتهاد است. از نظر وی اجتهاد یکی از مهم‌ترین راه‌هایی است که برای کشف قوانین متحول، در فقه اسلامی تعبیه شده است. در عین حال، اجتهاد یک مفهوم «نسبی» و متکامل است و در هر عصر و زمانی بینش و درک مخصوصی ایجاد می‌کند. مطهری این نسبت را ناشی از دو امر می‌داند: قابلیت و استعداد پایان‌ناپذیر منابع اسلامی برای کشف و تحقیق، و تکامل طبیعی علم و افکار بشری.

راه دیگری که مطهری برای تطبیق اسلام با مقتضیات زمان مطرح می‌کند،

نظر و عمل یا ذهن و عین، چگونه قابل توجیه است. شهید مطهری قاعده‌های «لاضرر» و «لااخراج» را که از قواعد کنترل‌کننده و حاکم بر قواعدند، به عنوان راه‌هایی برای تطبیق اسلام با مقتضیات زمان مطرح می‌کند. در یک زمان ممکن است دستوری به حکم قانون «ضرر» یا به حکم قانون «خرج» برداشته شود و در یک مکان و در شرایط دیگر به قانونی عمل نشود. «این هم عاملی است که نرمش و انعطاف در قانون اسلام ایجاد می‌کند و آن را با شرایط مختلف قابل انطباق می‌کند.»

شهید مطهری از سویی، از تبعیت محض از مقتضیات زمان نیز به شدت انتقاد می‌کند. به نظر مطهری، راز جاودانگی قوانین اسلام، پیوند دین و عقل در اسلام، جامعیت اسلام، توجه اسلام به روح زندگی به جای شکل ظاهری، در نظر گرفتن قوانین ثابت برای احتیاجات ثابت و قوانین متغیر برای احتیاجات متغیر است. وی چندان این نیازهای ثابت و نیازهای متغیر را معلوم

عقل است. مطهری بر عقل به عنوان یکی از منابع اساسی مکتب شیعه تأکید بسیار دارد. او به این عقل نیاز دارد تا تشخیص مقتضیات زمانه و احتیاجات واقعی بشری را در هر زمانی بر عهده او بگذارد و مسائل اجتماعی روزگارش را حل کند. از سوی دیگر، به نظر او بنای احکام بر مصالح و مفاسد واقعی است و این امر را نیز به پیوند عقل و دین مرتبط می‌کند. از نظر مطهری، قرار دادن عقل در کتاب و سنت به عنوان یکی از منابع استنباط و اجتهاد دارای معانی بسیاری است؛ از جمله اینکه بین عقل و کتاب و سنت هیچ‌گونه تضادی نیست. مهم‌تر از آن اینکه هر چه در کتاب و سنت نیامده، عقل مرجع یافتن قانون آن است.

مطهری بر این باور است که راه شیعه، راه عقل است و عقل از نظر شیعه دارای اصالت است. اما این مسئله را مورد توجه قرار نمی‌دهد که چرا عقل با وجود این همه تأکید، نزد برخی فرقه‌ها متروک و مهجور و مغضوب است. شهید مطهری توضیح نمی‌دهد که این شکاف در

داستان راستان



کتابخانه سپهر
معصومین
۱۳۵۶

این مجموعه شامل ۱۲۵ داستان برگرفته از کتب حدیث و نیز کتب رجال و تراجم و تواریخ و سیر توسط استاد شهید مطهری است. قهرمان داستان‌ها غالباً پیشوایان بزرگ دین یا شخصیت‌های بزرگوار علمی و فقهی هستند. این داستان‌ها علاوه بر آنکه عملاً می‌توانند راهنمای اخلاقی و اجتماعی سودمندی باشند، معرف روح تعلیمات اسلامی نیز هستند.

انسان‌شناسی قرآن



کتابخانه اخلاق و تربیت
۱۳۵۶

این کتاب مشتمل بر دوازده جلسه سخنرانی استاد شهید درباره خداشناسی، جهان‌شناسی و انسان‌شناسی قرآن در یک جمع علاقه‌مند به معارف اسلامی است که چون بخش اعظم آن درباره انسان‌شناسی است، «انسان‌شناسی قرآن» نام گرفت. گرچه برخی مطالب مشترک با سایر آثار استاد در این کتاب دیده می‌شود، ولی مطالب نو و بدیع خصوصاً در حوزه عرفان و اخلاق در آن بسیار است.

احیای تفکر اسلامی



کتابخانه اجتماعی
سیاسی
۱۳۴۹

این کتاب مشتمل بر پنج جلسه سخنرانی استاد شهید مطهری در حسینیه ارشاد است. سخنرانی نخست تحت عنوان «اقبال و احیای فکر دینی» به تفکر و حرکت عمیق فکری اقبال لاهوری، در مسیر آسیب‌شناسی اندیشه دینی در جهان اسلام و راه‌های مقابله با این آسیب‌ها می‌پردازد. سخنرانی‌های بعدی نیز با دنبال کردن همین خط فکری، ریشه‌های رکود و سکون تفکر دینی را مورد واکاوی و بررسی قرار داده است.